

جمیعاً و لائفرقوا > یکی از شعارهای بارز مسلمانان محسوب میشود .
 قرآن اختلاف و تفرقه را در ردیف عذابهای بزرگ آسمانی و زمینی قرار داده و میگوید:
 > قل هو الله احدی ان یبعث علیک عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا > (سوره انعام - آیه ۶۵) : بگو خدا میتواند عذابی از بالا یا زیر پای شما بر شما بفرستد و یا اینکه در میان شما تفرقه و نفاق بیاندازد ! ... راستی چه عذاب بزرگی است ؟ .
 ما امیدواریم در این موقعیت که دنیا لحظات بحرانی و حساسی را طی میکند تمام ملل اسلامی دست اتحاد و برادری را بهم داده و در مقابل دشمنان مشترک خود یکدل و یک زبان ایستادگی بخرج دهند ، و در سایه این « اتحاد مقدس » عظمت دیرین خود را باز یابند و اجازه ندهند بهیچ عنوانی در این « بنیان هر صوص » و سد محکم معنوی خللی وارد گردد .

نامه کوتاه امام صادق (ع)

منمورد انقی (یکی از خلفای عباسی بود ، و خون بسیاری از علویان و مسلمانان بیگناه را ریخت و بامساک و بخل اشتهار داشت) نامه ای بامام صادق نوشت و بوسیله نامه درخواست کرد که آنحضرت با او بیشتر ملاقات کند ، تا از سخنان او بهره مند گردد . پیشوای ششم شیعیان در پاسخ نامه او چنین نوشت :

من یطلب الدنیا لا ینصحک و من یطلب الآخرة لا یصحبک
 کسیکه دنیا را بطلبد (و چشم در مال و سیم و زرتو داشته باشد)
 تو را نصیحت نمیکند ، (زیرا در اینصورت محروم میگردد)
 و کسیکه آخرت بطلبد با تو مصاحب نمیشود و نشست و برخاست نمیکند ، (زیرا مصاحبت تو برای او سودی نخواهد داشت)

ابو منصور مؤلف احتجاج

احمد بن علی بن ایطالب طبرسی

بسیاری از دانشمندان شیعه واسراغ داریم که آنان از اهل طبرسند ؛ و جملگی را طبرسی میخوانند و ما در اینجا سامی برخی از آنان را مینگاریم امیدواریم که بخواست خدا بیوگرافی و شرح حال هر یک را در محل مناسب خود بنویسیم اگر چه شرح حال امین الاسلام طبرسی مفسر معروف گذشت ، اینک فهرست اجمالی از آنها :

(۱) فضل بن حسن طبرسی مؤلف مجمع البیان ، (۲) حسن بن فضل بن حسن مؤلف مکلام الاخلاق فرزند طبرسی سابق الذکر ، (۳) علی بن حسن بن فضل بن حسن فرزند صاحب مکام الاخلاق (۴) عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی ، و گاهی طبری نیز خوانده میشود ، (۵) احمد بن علی طبرسی صاحب ترجمه و وو -

طبرس کیجا است ؟

مانظر خود را درباره این کلمه در شماره هشتم نگاشته و تقویت کردیم که بعید نیست این کلمه « عرب » نقرش باشد ولی اخیراً مصحح شرح شواهد مجمع البیان دلائلی اقامه نموده و اظهار داشته است که این کلمه با طبرستان از نظر محل تسمیه یکی است و منظور همان مازندران است که در مقام نسبت گاهی میگویند طبرسی و گاهی طبری . البته چون دامنه سخنان ایشان در این مقام طولانی است ؛ و اگر ما بخواهیم انظار خود را توضیح دهیم ناچار بایست از وضع مقاله بیرون بیاییم از این لحاظ از بحث درین موضوع خودداری میکنیم امیدواریم که بخواست خدا در جای مناسب اشکالات و نظرهای خود را بیان نمایم .

قرن پنجم و ششم اسلامی از قرون طلایی اسلامی است ؛ بالینکه آنروز جنگهای صلیبی مراکز اسلامی را تهدید مینمود و بسیاری از کشورهای اسلامی مورد هجوم و حمله

صلیبیان قرار گرفته بود . مع ذلك درین دو قرن علمائی تربیت شدند ؛ دانشمندی بوجود آمدند ؛ کہ ہر کدام مانند مشعل فروزان نورفشانی کردہ و در طول تاریخ اسلامی نظیر برای آنان کتر دیده میشود .

گویانہالہای چہار صد سالہ دانشہای اسلامی در این دو قرن بصورت درختان برومند درآمدند و از زحمات چہار قرن پیشوایان اسلام و رہبران علم و قلم این آئین در این دو قرن بطور کامل بہرہ برداری شد ؛ بطوریکہ مہاجمین صلیبی در اولین برخورد فریفتہ دانشگاہای اسلامی شدند و در صدد اعزام محصل ؛ و ترجمہ بسیاری از کتب اسلامی کہ در پیرامون طب ؛ فلسفہ ، و جغرافیہ و ریاضیات نوشتہ شدہ بود ، بر آمدند ؛ ولی بعداً چہ عواملی پیش آمد کہ این حرکت علمی را دچار وقفہ کرد و ضربات شکنندہ خود را بر حوزہ ہای اسلامی وارد ساخت و از ہرگونہ ترقی محسوس و بلند جلو گیری بعمل آمد ؛ ، باشد کہ خود این موضوع درخور تالیف جداگانہ است .

قہرمان گفتار مایکی از مفاخر بزرگ قرن ششم اسلامی است کہ مانند ستارہ درخشان در آسمان علم و حدیث و فقہ و کلام میدرخشد ؛ و ہنوز تالیفات گرانہای او مورد استفادہ دانشمندان عصر حاضر است ؛ بزرگترین گواہ بر عظمت و نبوغ علمی او علاوہ بر آثار ارجدارش شاگردانی است کہ تربیت نمودہ و بدینوسیلہ رابطہ خود را پس از مرگ با جہان علمی قطع نکرده است .

یکی از شاگردان بزرگ و عالیقدر اور رشید الدین ابن شہر آشوب است کہ عظمت و وسعت اطلاعات علمی اور افریقین ستودہ اند و ما نیز در شمارہ (۱ - سال دوم) بیوگرافی و رموز زندگی اورا بطور اجمال نوشتیم ، او در بارہ صاحب ترجمہ در کتاب نفیس خود معالم العلماء چنین مینویسد :

« شیخ و مربی و استاد من احمد بن علی طبرسی تالیفاتی دارد ؛ از آنجملہ « احتجاج » و « مفاخر الطالبیہ » و « فضائل الزہراء » و « کافی » کہ آن در فقہ و بسیار کتاب سودمند است » و باز از تالیفات او است « تاج الموالید » کہ در انساب نوشتہ و یکی از مصادر کتابہای نسب است کہ بعداً نوشتہ شدہ است .

محدث معروف « شیخ حر عاملی » در کتاب امل الامل در قسم دوم اورا چنین توصیف میکند :

« احمد بن علی ، دانشمند فاضل ؛ ققیہ پرہیز کار ، مؤلف احتجاج بر اہل لجاج کہ در

باب خود بسیار کتاب نفیسی است » .

شاہکار مترجم

خورشید تابان اسلام از افق حجاز طلوع نمود ، و عرصہ گاہ وسیع جہان بشریت را با حقایق

تا بنک خود روشن ساخت ، در آن روز برنده ترین حربہ مسلمانان و یگانہ وسیلہ نفوذ و پیشرفت آنان همان جذبہ معنوی ، و استحکام مبانی دینی ، و روشن بودن دلائل عقائد و اصول و فروع آنان بود کہ باسانی در دل می نشست ، روشنی مبانی آئین مقدس اسلام ، مذاکرات و مباحثہای خصوصی و عمومی بقدری مؤثر بود کہ گاهی خواندن یک آیه ، تفسیر یک سوره گروهی را وادار می کرد کہ بگرد پرچم اسلام در آیند .

انسان بوسیله همین سلاح (سلاح برهان و دلیل ، سلاح علم و دانش) میتواند در قلوب جامعه برای خود جای بزرگ باز کند ، میتواند صفوف فشرده آنان را کہ در برابر حقیقت صف آرائی می کردند بزرگ پرچم حق و حقیقت در آورد کہ از صمیم دل ، آشکار و پنهان از حریم مقدس «عقائد» دفاع کنند .

این همان قدرت علم و دانش ؛ برهان و دلیل ، است کہ در برنده ترین سلاح روز این نیرو وجود ندارد .

حکومت بر جسم نتیجہی موقت دارد و هر آنی طرف محکوم مترصد است کہ زنجیرهای محکومیت را پاره کند ؛ و در محیط آزاد بسر ببرد ، ولی حکومت بر قلوب و روان و روح بطور دائم نتیجہ پخش است ؛ هر گاه عوامل ظاہری حکومت از بین برود ، باز روح در برابر تعالیم معنوی حاکم سابق خاضع و متواضع می باشد ، ؛ و اگر احساس کند کہ پایہ حکومت بحسب ظاہر رو بضعف است ؛ میکوشد کہ خود را بیشتر مقید و پای بند سازد ، درست این دو حکومت از نظر نتیجہ معکوسند .

از این نظر پیشوایان اسلام همواره با مخالفان ، پاسران احزاب و با بزرگان شرک و نصرانیت ؛ با رؤسای یهود و مادیت ؛ وارد مذاکرہ میشدند ، و بوسیله همان اسلحہ برنده با کمال نرمی دشمن را خورد ؛ و دژهای ظاہری و معنوی آنان را بتصرف در می آوردند .

این مباحثات کہ خود از ذخائر علمی و تراث معنوی اسلام است چند قرن دست بدست ؛ سینه بسینه ، میگشت تا آنکہ صاحب ترجمہ (تہرمان گفتار ما) دست بابتکار شاہکاری زد و بیشتر آن مذاکرات و راهنماییها را در کتابی جمع و با ترتیب بسیار زیبا و دلنشین منظم نمود ، و آنرا « الاحتجاج علی اهل اللجاج » نام نهاد .

چرا این کتاب را تألیف کرد ؟

چہ بہتر پاسخ این سؤال را از خود مؤلف بشنویم ، وی در آغاز کتاب چنین میگوید :

« آنچه مرا بر تألیف این کتاب برانگیخت ، مسامحہ و سستی دانشمندان و »

« اصحاب ما بود کہ خاموشی و انزوارا انتہاب کرده ، و از احتجاج و جدال با »

«مخالفان و اهل ادیان باطل؛ کناره گیری نموده و تصور میکنند که پیامبر اکرم
 (ص) و حضرات ائمه نیز مانند ایشان پیوسته سکوت و کناره گیری نموده
 و برای پیروان خود هم اجازه مجادله و مباحثه با اصحاب عقائد باطله
 ندادند.»

«از این جهت تصمیم گرفتم احتجاجات را که از پیشوایان بزرگ در مقابل ملل
 و طوائف دیگر صادر شده است جمع آوری نموده و در این کتاب برشته
 تحریر در آورم.»

«آری حرمت مجادله مخصوص اشخاصی است که شخصیت علمی نداشته و در
 مقابل طرف مغلوب و موجب ترزلزل خود و دیگران میشوند و مخالفان را در راه باطل
 خود استوار میسازند.»

بسیاری از این مباحثات «هر صل» است.

سطح علمی و افق فکری این مذاکرات بقدری بلند و بالا و روشن است که مؤلف
 تمام آنها را بدون سند ذکر کرده، و بقرصی و استحکام مضمون اکتفاء نموده است؛ علاوه بر
 این صدور این مذاکرات از پیشوایان اسلام بقدری روشن بوده که دیگر مؤلف را از ذکر
 اسنادی نیاز کرده است فقط آنچه را از تفسیر امام عسکری (ع) نقل نموده، بعنوان نمونه، يك
 سند برای اولین حدیث ذکر نموده و باقی را عطف بآن کرده است؛ و خود مؤلف در این باره
 چنین میگوید: چون روایاتی که از تفسیر امام عسکری نقل میشود در رتبه احادیث دیگر
 نیست از این نظر در حدیث اول سند خود را گفته تا روشن شود سند من در همه آن احادیث
 بهمین قرار است.

اشتباه مکرر

بسیاری از دانشمندان معاصر و گذشته میان امین الاسلام طبرسی صاحب مجمع البیان
 و ابو منصور طبرسی صاحب احتجاج خلط کرده و بعضی از تالیفات صاحب ترجمه را امین الاسلام
 نسبت میدهند اینک نام باره ای از آن اشخاص:

۱- محمد بن ابی جمهور احسایی مؤلف کتاب «غوالی اللثالی» که پس از (۹۰۱) فوت
 کرده است.

۲- مؤلف رساله «مشایخ الشیعه».

۳- محدث معروف «محمد امین» استرآبادی متوفای سال (۱۰۳۶)

۴- قاضی نورالله در مجالس المؤمنین (مجلس پنجم ذیل حالات ابو حمزه ثمالی)

اشتباه دیگر

از بی شانسى مؤلف ما است که کتابهای ایشان بنام دیگران اشتباه یافته است از آنجمله کتاب «تاج الموالید» ایشان است که در علم انساب نگارش یافته و از مصادر کتاب «تذکره - النسب» تالیف احمد بن محمد بن مهنا است که با علامه حلی متوفای سال ۷۲۷ معاصر میباشد؛ ولی همین کتاب را مؤلف «عقد اللئالی فی مناقب النبی والال» شیخ احمد بن سلیمان ابن ابی ظبیه بحرانی، بر خود امین الاسلام مفسر نسبت داده است و بسیاری از علماء تذکره نویس پرده از روی اشتباه برداشته و حقیقت را روشن نموده اند

اساتید و

ابوجعفر مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی که از مشاهیر محدثان و متکلمین

عصر خود بوده است .

ناگفته پیداست مردی مانند «طبرسی» که در عصر خود سر آمد دانشمندان و از اساتید این شهر آشوب باشد، ناچار بایست در اخذ فنون مختلفه که خود در آنها مبتکر و مؤلف بوده است مانند فقه، کلام، نسب، تاریخ، درک فیض محضر بسیاری از بزرگان را کرده باشد، ولی متأسفانه ما پس از غور و تحقیق فقط بنام یکی از اساتید بزرگ او واقف شدیم و خود او نیز برخی از روایات کتاب «احتجاج» را بوسیله او نقل میکند، مثلاً در آغاز کتاب احتجاج در باب فضیلت علماء و دانشمندان و اهمیت تبلیغ و تعلیم و هدایت چنین مینویسد :

دانشمند عابد و سید بزرگوار ابوجعفر مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی برای من نقل کرد از شیخ بزرگوار برهیزگار ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد دوریستی، از پدر بزرگوار خود محمد بن احمد از شیخ بزرگوار محمد بن علی بن بابویه معروف بصنوق الخ .

ترجمه های کتاب احتجاج

این کتاب بقدری اهمیت دارد که سید بن طاوس (متوفی سال ۶۶۴) در کتاب کشف - المحجبه فصل (۵۶) مطالعه آنرا به پسرش توصیه نموده است از این لحاظ دانشمندان پس از مؤلف آنرا بزبان فارسی ترجمه نموده اند تا مورد استفاده عموم قرار گیرد از آنهاست :

۱ - کشف الاحتجاج: ترجمه علاء الدین اصفهانی که بفرمان شاه طهماسب اول متوفای

سال ۹۸۴ نوشته شده است .

۲ - ترجمه محمدیه : محمد چهارم عالی که از فضلا و دانشمندان عهد محمد شاه قاجار

متوفای سال ۱۲۱۲ مییاشد

۳- ترجمه حسن مصطفوی: که از نویسندگان و علماء معاصر مییاشد؛ و اخیراً نیز بطبع رسیده است.

سال وفات او

سال وفات او بدست نیامده ولی روی قرائن میتوان حدس زد که وی در حوالی ۵۵۰ فوت کرده است؛ زیرا وی معاصر امین الاسلام طبرسی است که در سال ۵۴۸ فوت کرده و از اساتید رشیدالدین شهر آشوب که در سال (۵۸۸) در سن نود و نه سالگی جهان را وداع نموده و از مشایخ روایت شیخ منتجب الدین متوفای سال ۵۸۵، از این لحاظ بایست گفت که او در اوائل یا اواسط قرن ششم اسلامی دعوت حق را پاسخ گفته است.

مدارک مهمها: (۱) امل الامل (تسم دوم) (۲) معالم العلماء (۳) ذریعه (۴) اعیان الشیعه (۵) مستدرک الوسائل (ج ۳ - ص ۴۸۵).

ضایعه جبران ناپذیر

از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش

فاجعه جانگداز و حادثه اسفناک یعنی فوت مرحوم مبرور حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمد علی غروی آورد بادی (اعلی الله مقامه) قلوب عموم مسلمانان و بالخاص شیعیان جهان را داغدار نمود.

مرحوم علامه آورد بادی یکی از نویسندگان زبر دست و توانا و از علماء بزرگ حوزه علمیه نجف و از شعرای عالی مقام عراق بود وی سالیان دراز از حریم مقدس اسلام و تشیع دفاع نمود و با تألیفات گران بها و مقالات شیرین و شعرهای نثر خود تیرهای زهر- آلود تهمت را دور کرد تا اینکه در اواسط ماه «صفر» بامر گمخود جهانی را غرق در عزانمود و علاوه بر مراتب علمی و عملی میان نویسندگان غرب اشتهار کامل داشت و برای مزید اطلاع به کتاب «ریحانة الادب» مراجعه شود.

مکتب اسلام مراتب هندی و تسلیم خود را بموم مسلمانان و بالخاص به پیشگاه بزرگترین مرجع جهان تشیع «حضرت آية الله العظمی آقای بروجردی» دامت برکاته معروض میدارد